

سر خود فلسفه نبافیم!

نوش جان یا نیش جان؟

در شماره پیش گفتیم: اسلام برای «مصرف» حدود و چارچوبی معین کرده است. به همین دلیل مسلمان هر چیزی را نمی خورد، هر چیزی را نمی پوشد، هر چه میلش کشید نمی خورد و... هر کدام از اینها ملاک‌هایی دارند. یکی از مهم‌ترین ملاک‌ها، «حلال و حرام» است که شیوه درست تعامل با بسیاری از موضوعات زندگی را روشن می‌سازد.

در مقوله مصرف نیز انسان مؤمن در پرتو نظام کنترلی حلال و حرام است که نحوه مصرف خود را تنظیم می‌کند. مثلاً از مصرف برخی از چیزها پرهیز می‌کند، به دلیل اینکه آموزه‌های دینی مصرف آن‌ها را حرام دانسته است.

گستره حلال‌ها

همین‌جا این نکته گفتنی است که بدانیم، دایره حلال‌ها بسیار فراخ‌تر از حرام‌هاست. امام علی (ع) فرموده است: «آنچه به آن فرمان داده شده‌اید، گسترده‌تر از آن چیزی است که شما را از آن باز داشته‌اند، و آنچه بر شما حلال شده است، بیش از چیزی است که بر شما حرام کرده‌اند» (نهج البلاغه، ج ۱۱۴).

حکمت حلال و حرام

البته این حلال و حرام‌ها همه از حکمتی برخوردارند. قرآن در یک نگاه کلی به صراحت می‌فرماید: «از پیامبری - حضرت محمد(ص) - پیروی می‌کنند که برای

آن‌ها چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را حرام می‌گرداند» (اعراف/ ۱۵۷).

امام رضا(ع) نیز در

همین مورد فرموده است: «ما دریافتیم آنچه خداوند

متعال حلال کرده، سبب صلاح حال بندگان و بقای آنان است و به آن نیاز دارند... و دریافتیم که بندگان خدا به چیزهایی که حرام است، نیازی ندارند و دانستیم که آن‌ها مایه تباهی و سبب نابودی و هلاکت

هستند. (الحیاء، ج ۴: ۱۷۳).

پس ورای هر امر و نهی، صلاح و فساد، و سود و زیانی وجود داشته است؛ هر چند ما این صلاح و فساد را ممکن است دقیق و به شکل روشن همه‌جا درک نکنیم. نباید تصور کرد که آدمی با علم و تجربه ناقص خود، به سود و زیان همه جانبه خود پی ببرد. خدای متعال که به مصالح و مفاسد همه چیز آگاه است، صلاح و فساد ما را در قالب دین به ما گوشزد کرده است.

این است که مؤمن، چون خداوند مصرف چیزی را حرام کرده است، از مصرف آن می‌پرهیزد. برای مثال، مشروبات الکلی را نه صرفاً به دلیل اینکه نوشیدنش زیان‌هایی به همراه دارد، بلکه به دلیل اینکه حرام است، نمی‌نوشد.

هستند کسانی که تنها از کارهایی که با درک خود آن‌ها را زیانمند می‌دانند، پرهیز می‌کنند، اما مگر آن‌ها همه چیز را می‌دانند؟ مگر می‌توان صلاح و فساد

همه چیز را نسبت به دنیا و آخرت با تکیه بر عقل و علم ناقص خویش درک کرد؟ به هر حال این افراد فارغ از ملاک‌های دینی، ملاک‌های خاص خود را دارند. با این کار، آن‌ها در واقع در چارچوب حدود الهی حرکت نمی‌کنند، چرا که در انجام کارها

بندگان خدا به چیزهایی که حرام است، نیازی ندارند

به فرمان خدا نمی‌اندیشند. حتماً دیده‌اید کسانی را که می‌خواهند برای هر چیز، سر خود فلسفه‌ای بتراشند. فرضاً اگر به آن‌ها بگویید مشروب حرام است، می‌گویند: «من نمی‌فهمم که حرام چیست. اما چون می‌دانم که مشروب ضرر دارد، از آن پرهیز می‌کنم.»

درست است که چنین افرادی به دلیل دوری از این گناه، از مفاسد آن دور می‌مانند، اما آیا این اشخاص با کسانی که به خاطر اطاعت از خداوند از این آلودگی فاصله می‌گیرند، یکسان‌اند؟ به هیچ وجه. این دو با هم برابر نیستند. این برمی‌گردد به منطق بزرگ حلال و حرام. باید با این منطق آشنا بود.

منطق عمیق حلال و حرام

حلال و حرام منطق دقیق و قابل





فهمی دارد. انسان موجودی است دو بعدی: زمینی و آسمانی. یعنی روحی دارد و جسمی. هنگامی که وی فقط به خواسته‌هایی که از نیازهای سطحی و جسمانی‌اش سرچشمه گرفته‌اند، توجه می‌کند، علاوه بر اینکه به دلیل علم ناقص خویش از بسیاری از کارهایی که باید بپرهیزد، نمی‌پرهیزد و در نهایت چوبشان را می‌خورد، از رشد بُعد آسمانی‌اش نیز باز می‌ماند.

با این کارها، او دارد صرفاً میل و درک محدود و بُعد زمینی و مادی خویش را کم و بیش تقویت می‌کند. در حالی که اسلام با منطوق حلال و حرام کوشیده است انسان را در هر دو جهت رشد بدهد.

اسلام می‌خواهد که انسان برای کارهایی که قصد انجام یا ترکشان را دارد، فقط به میل یا بی‌میلی خودش توجه نکند، بلکه

در آن عمل، رضایت و قرب الهی را نیز در نظر داشته باشد.

اگر انسان بدان جهت که خداوند از کاری راضی است، آن را انجام دهد و در صورت ناراضی بودن خداوند، یعنی حرام بودن، از آن کار بپرهیزد، معنایش آن است که علاوه بر بُعد زمینی، به بُعد روحی و آسمانی خویش نیز توجه دارد. چنین انسانی در هر مواجهه و روبه‌رو شدن با حلال و حرام و واکنش درست در مقابل آن‌ها در طول زندگی، روح بندگی و ایمان خویش را تقویت می‌کند.

بدین گونه است که توازن و اعتدال را در میان جسم و روح خویش پدید می‌آورد. آری، تسلیم در برابر فرمان الهی، دوری از محرّمات و گناهان، و انجام واجبات با نیتی خالصانه، انسان را در جسم و روح، یعنی در بُعد زمینی و آسمانی‌اش،

به صورت هماهنگ و همه‌جانبه رشد می‌دهد.

با چنین سبکی در زندگی، هر روز و هر ساعت با توجه به هر امر و نهی خداوند، آدمی بیش از پیش از اسارت نفس فاصله می‌گیرد و بیشتر به خدا نزدیک می‌شود. اما در مقایسه، فردی که فرضاً از نوشیدن مشروب دوری می‌کند، تنها به دلیل ضرر آن، از این رشد که حاصل نظام حلال و حرام است، محروم می‌ماند.

زیرا او همان‌گونه که گفتیم، با این کار صرفاً درک محدود و باورها و اوهام نفسانی خویش را تقویت می‌کند و بدین شکل، هر چه بیشتر در خود سقوط می‌کند. یعنی سقف کوتاه دانش و اطلاعات محدود، او را از حقیقت محروم می‌سازد. این منطق عمیق حلال و حرام است.

- منابع
۱. قرآن کریم
 ۲. نهج البلاغه
 ۳. حکیمی، محمدرضا (۱۳۹۱). الحیة (ج ۴). انتشارات دلیل ما.
 ۴. صدر، امام موسی (۱۳۹۰). حدیث سحرگاهان. مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.